



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

Vol.3, No.4, Issue 12, Winter 2024, P: 39-54

Receive Date: 2024/09/08

Revise Date: 2024/10/14

Accept Date: 2024/10/19

Article type: Original Research

Online ISSN: 2821-2339

DOI:10.71654/jcl.d.2024.1196021

Examination of Contracts of Assignment of Mines in the Administrative Structure of the Ministry of Industry, Mine and Trade with a look at the Similar Offices in Legal Systems of France and Canada

Hamidreza Rafipour Tehrani¹Bakhtyar Abasloo²Hatem Sadeghi Ziazi³

Abstract

In order to the presence of the private sector in the exploitation of mines, in 1399 the Ministry of Industry, Mine and Trade presented a new mechanism for this matter, the contractor started the with method of "build-operate-assignment" which included Special privileges for contractor in comparison with other cases of assignments and in return the contractor has been engaged to the development of ancillary industries. The recognition of the executive-administrative challenges of the mentioned method is the goal which this research followed. The lack of a contract form, the lack of an economic criterion for determining the duration of exploitation, the non-expert opinion of the legal assistant of president on the base of distortion of the principle of consent in this contract, the customary precedent of wrong privileges to governmental companies and the obstruction of institutions such as the Environmental Protection and Natural Resources Organization is one of the important challenges of the implementation of this mechanism that its resolution requires the frankness of Cabinet about the full authorities of the Ministry of Mines, setting up a contract form, the response of the Legal Assistant of the Cabinet to all ambiguities, setting up a legal document for the fair determination of the period of exploitation and the strict implementation of penal regulations that will be possible with the efforts of the ministry of Industry, Mine and Trade and the presidency.

Keyword: contract of assignment of mine, privileges to governmental companies, challenges of the contract of assignment of mines.

1. PhD student in private law, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. tehrani13502003@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (corresponding author). bak.abasloo@ctb.iau.ir

3. Assistant Professor, Department of Law, Pardis Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran. hatamsadeghi@pnu.ac.ir



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

سال سوم - شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۲ - زمستان ۱۴۰۳، ص ۳۹-۵۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

DOI: 10.71654/jcl.d.2024.1196021

شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۲۳۳۹

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی قراردادهای واگذاری معادن در ساختار اداری وزارت صمت، با نگاهی به

ادارات مشابه در نظام‌های حقوقی فرانسه و کانادا

حمید رضا رفیع پور طهرانی^۱

بختیار عباسلو^۲

حاتم صادقی زبازی^۳

چکیده

در راستای حضور بخش خصوصی در بهره برداری از معادن، وزارت صمت در سال ۱۳۹۹، ساز و کار جدیدی برای این مهم ارائه داد. پیمانکار، به روش: ساخت بهره برداری واگذاری، وارد عمل شد که در قیاس با دیگر موارد واگذاری‌ها، امتیازاتی خاص برای پیمانکار لحاظ شد و در عوض، پیمانکار، به توسعه صنایع جانبی، متعهد گردید. شناسایی چالش‌های اجرائی اداری روش مذکور، هدفی است که این نوشتار، مترصد آن است. فقدان فرم قراردادی، فقدان معیار اقتصادی تعیین مدت بهره برداری، اظهار نظر غیر کارشناسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری، مبنی بر مخدوش شدن اصل رضایت در این قرارداد، رویه‌ی عرفی اشتباه امتیازات شرکت‌های دولتی و ایجاد مانع‌نهادهایی همچون: سازمان حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی، از چالش‌های مهم اجرای این ساز و کار است که رفع آن‌ها مستلزم صراحت هیأت دولت، بر اختیارات کامل تولی وزارت صمت بر معادن، تنظیم فرم قراردادی، پاسخ معاونت حقوقی هیأت دولت، به تمامی ابهامات، تنظیم سند حقوقی، برای تعیین عادلانه مدت بهره برداری و اجرای سخت‌گیرانه مقررات تعزیرات حکومتی است که با همت وزارت صمت و ریاست جمهوری امکان پذیر است.

واژگان کلیدی: قرارداد واگذاری معدن، امتیازات شرکت‌های دولتی، چالش‌های قرارداد واگذاری معادن.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. tehrani13502003@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). bak.abasloo@ctb.iau.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. hatamsadeghi@pnu.ac.ir

مقدمه

معادن، ثروت ملی محسوب گردیده و از دیدگاه فقه اسلامی، جزئی از انفال بوده و اداره آن در انحصار حاکم اسلامی می‌باشد. با لحاظ این اصل مهم، قانون معادن در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید و از نظر حقوقی، طرق بهره برداری از آن، رسمیت یافت. به مانند هر پروژه با کارفرمایی دولت، مانند راه سازی، امورات شهری، انتقال برق و ... ساز و کار حضور بخش خصوصی در معادن تعریف شده که عموماً به مقررات اداری باز می‌گردد؛ چراکه قانون معادن به صورت کلی در این خصوص بحث نموده و تفسیر موسع مفاد آن و تنظیم مقررات اجرائی مرتبط بدان، با همت قوه مجریه انجام شده است.

برخی نویسندگان به پیمانکاری مستقیم در معادن انتقاد وارد شده و آن را زمینه ساز فساد دانسته‌اند (جباری، ۱۳۹۲، ۱۲). در تحقیقی دیگر، واگذاری معادن مبهم دانسته شده که زمینه سودهای کلان بادآورده را فراهم می‌دارد (دولت آبادی و همکاران، ۱۴۰۰، ۶۶۲). در کشوری به مانند فرانسه، امکان مشارکت بخش خصوصی و دولتی برای بهره برداری از معادن وجود دارد (بتانکورت^۱، ۲۰۲۳، ۳۴) همچنین در یک تحقیق علمی به ورود مستقیم دولت‌های جهان سوم به فعالیت‌های معدنی انتقاد وارد شد (دیا^۲ و همکاران، ۲۰۰۸، ۱).

در جایی دیگر به لزوم موازنه اقتصادی با اعمال واگذاری معادن تاکید گردید (حق گذار و همکاران، ۱۴۰۳، ۲۰)

در راستای اصلاح ساز و کار واگذاری معادن، مصادف با شیوع بیماری کرونا در اوایل سال ۱۳۹۹ طرحی در وزارت صمت به تصویب رسید که تا کنون به طور کامل اجرا نشده است. به موجب این طرح بدیع، معادن با قرارداد: ساخت، راه اندازی، واگذاری، به بخش خصوصی واگذار شده و توقعاتی که پیشتر، در دیگر پروژه‌ها برای پیمانکاران متصور بود، به صورت رسمی ذکر شده تا بدین صورت ضمن گسترش صنایع جانبی، سرمایه گذاران برای ورود به این گونه پروژه‌ها تشویق گردند. مدل مشابه در فرانسه و کانادا پیاده سازی شده که موفق ارزیابی می‌گردد.

سؤال پژوهش این است که نقاط قوت و ضعف طرح جدید واگذاری معادن چیست و راهکارهای اداری اجرای صحیح آن، به چه صورت است؟

چنین فرض شده که جامعیت این طرح از نقاط قوت آن محسوب شده و لیکن اختلاف در اختیارات وزارت صمت، عدم توجه به حقوق پیمانکاران و در نهایت، عدم ارائه فرم قراردادی استاندارد، از نقاط ضعف اجرائی این طرح بوده که نیاز است با همت مسئولین، مرتفع گردد.

1. Betancourt
2. Dai

در این پژوهش، ابتداء، واگذاری معادن از دیدگاه اداری مطالعه شده، سپس چالش‌های اداری این حوزه بررسی و ضمن قیاس با الگوی مشابه در کانادا و فرانسه، الگوی پیشنهادی رفع این مشکلات ارائه شده است.

۱. واگذاری معادن

در اکثر کشورها، معادن ثروتی ملی محسوب می‌گردند؛ بدین معنا که تمامی منابع معدنی در سراسر کشور به عموم مردم تعلق دارد. به موجب نص صریح منابع فقهی، استفاده از منابع طبیعی اگر در حد مصرف شخصی باشد، فاقد ایراد بوده و اگر با قصد فعالیت اقتصادی باشد، کسب اجازه از حاکم اسلامی ضرورت دارد (اسلامی پناه، ۱۳۹۲، ۱۳۲). این مهم، امروزه، مبنای قانون‌گذاری قرار گرفته و هرگونه فعالیت اقتصادی در حیطه منابع طبیعی، مستلزم کسب مجوزهای مربوطه می‌باشد. ذیل این قسمت، در خصوص واگذاری معادن از دیدگاه‌های مختلف، صحبت شده است.

۱-۱. دیدگاه حقوقی

در حال حاضر، مهمترین منبع حقوقی در خصوص معادن، قانون معادن است که در سال ۱۳۷۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده و اصول کلی قانون اساسی، به خصوص اصول ۴۴ و ۴۵ را به معادن، تعمیم داده و جزئیات اجرایی آن‌ها را بیان داشته است.

در بخش ابتدایی تعاریف، در خصوص پروانه اکتشاف بیان داشته شده: مجوزی است که برای انجام عملیات اکتشافی مواد معدنی در محدوده مشخص از طرف وزارت معادن و فلزات صادر می‌شود. در این خصوص، دو نکته قابل توجه است؛ نکته اول اینکه امروزه وزارت صنعت، معدن و تجارت و یا به اصطلاح «صمت»، جایگزین وزارت معادن و فلزات آن زمان بوده و لذا تکالیف و اختیاراتی که در این قانون برای این نهاد در نظر گرفته شده، برای وزارت صمت نیز محرز است.

نکته دوم اینکه این تعریف، آغازی بر مسئولیت اداری وزارت صمت در خصوص تولی معادن بوده و جای هرگونه دخالت دیگر نهادها در مورد معادن را محدود می‌نماید. قابل ذکر است که سازمان حفاظت از محیط زیست و همچنین منابع طبیعی، به نوبه خود در مسیر بهره برداری از معادن، سنگ اندازی نموده که با تفاسیر موسع از مفاد این قانون می‌توان راه دخالت آن‌ها را مسدود نمود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۷، ۵۵).

در ادامه این مهم، ماده دوم به صراحت بیان داشته: «در اجرای ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی مسئولیت اعمال حاکمیت دولت بر معادن کشور و حفظ ذخایر معدنی و نیز صدور اجازه انجام فعالیت‌های معدنی مقرر در این قانون و نظارت بر امور مزبور و فراهم آوردن موجبات توسعه فعالیت های معدنی، دستیابی به ارزش افزوده مواد خام معدنی، توسعه صادرات مواد معدنی با ارزش افزوده، ایجاد اشتغال در این بخش و

نیز افزایش سهم بخش معدن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به عهده وزارت معادن و فلزات می‌باشد».

همچنین، در ماده هفتم نیز بیان داشته شده: «وزارت معادن و فلزات مکلف است پس از رسیدگی و تأیید عملیات اکتشافی نسبت به صدور گواهی کشف، به نام دارنده پروانه اکتشاف اقدام نماید. در این گواهی، نوع یا انواع ماده معدنی کشف شده، کمیت، کیفیت، حدود، مساحت و هزینه عملیات اکتشافی باید ذکر شود. گواهی مزبور با تأیید وزارت معادن و فلزات، ظرف یک سال از تاریخ صدور، قابل انتقال به اشخاص ثالث خواهد بود».

بر این اساس، می‌توان رسیدگی به امورات شکلی معادن در چهار چوب قانون را از اختیارات وزارت صمت دانست و دیگر ارگان‌ها ملزم به همکاری با این نهاد می‌باشند. رابطه دیگر ارگان‌ها با وزارت صمت، در خصوص معادن، نه از نوع عرضی، بلکه طولی می‌باشد (عبدالله زاده، ۱۳۹۲، ۵۴).

۲-۱. اختیارات اداری

هیأت دولت در سال ۱۳۸۷، آئین‌نامه اجرائی قانون معادن را به تصویب رساند. به موجب ماده اول این آئین‌نامه، در راستای اجرای قانون معادن، وزارت صمت متولی و مجری معادن خواهد بود. دیگر ارگان‌ها تنها از حیث استعمال قانونی، ملزم به پاسخ‌گویی به وزارت صمت بوده و مجوزهای بهره‌برداری پس از آن استعلامات صادرشده و وزارت صمت در این خصوص هیچ مسئولیت حقوقی نخواهد داشت (کتابی رودی، ۱۳۹۴، ۳۳).

با این حال، در سال ۱۳۷۹ و در جریان تصمیم‌گیری در خصوص کوچک‌سازی دولت، ضمن اعطای اختیارات بهره‌برداری نفتی به وزارت نفت، اختیار اجرائی دولت در خصوص معادن به وزارت صمت واگذار شد. در این تک‌ماده تصویبی، عنوان نماینده مختار دولت برای وزارت صمت تبیین گردیده که در مسیر اجرای مواد دوم و هفتم قانون معادن دانسته شده است (کشتکار زاده، ۱۳۸۲، ۲۱).

همان‌طور که اختیار واگذاری‌های نفتی به وزارت نفت تفویض گردید، اختیار تولی معادن به‌طور کامل به وزارت صمت واگذار شد و تاکنون نص صریح حقوقی، خلاف آن تصویب نگردیده است؛ بنا بر این می‌توان بیان داشت: در چهار چوب قانون، وزارت صمت از اختیارات کافی برای واگذاری معادن بهره‌مند است.

۳-۱. آخرین مدل پیشنهادی

در حال حاضر، هیچ مجوز بهره‌برداری برای معادن گران‌بها، همچون: طلا، نقره و مس، صادر نشده و تمامی اعمال مرتبط بدان، توسط شرکت‌های دولتی انجام شده و تنها به کاشف معدن، مبلغی به جهت حق واگذاری اعطاء گردیده که طرف مقابل، جز پذیرش این مهم، راه دیگری ندارد (موسی زاده، ۱۳۹۸، ۵۴).

چه در قوانین موضوعه و چه در مقررات اداری مکتوب مرتبط با معادن، این مهم به چشم نمی‌خورد؛ اما پرواضح است که با توجه به اختیارات اجرائی در این خصوص، و همچنین، حسب سنت پیشین که واگذاری معادن گران بها، خلاف مصالح ملی دانسته می‌شد؛ هنوز هم این رویه در پیش گرفته شده و در چهار چوب اختیارات اجرائی وزارت صمت قرار دارد.

در برخی موارد، به صورت عادی و به مانند دیگر پروژه‌ها، وزارت صمت مبالغی به پیمانکاران اعطاء کرده و در مقابل، محصولات معدن را دریافت می‌نماید. این قبیل واگذاری در صنایع با ارزش متوسط نظیر سنگ آهک استان خراسان رضوی مشهود بوده است (احمدی، ۱۳۸۹، ۴۵).

در متداول‌ترین نوع واگذاری که در معادن سنگ مشهود بوده، وزارت صمت میزان استخراج تقریبی محصول را تخمین زده و به ازای هر تن، مبلغی برای قیمت، تعیین کرده که پیمانکار موظف به پرداخت آن است. انتقاد وارده به این نوع از واگذاری ها، عدم تناسب مبلغ دریافتی با سود پیمانکاران است. در مقابل نیز وزارت صمت بیان داشته که باتوجه به سرمایه گذاری کلان پیمانکاران در معادن سنگ، این گونه سودها منطقی می‌باشد (جباری، ۱۳۸۹، ۵۵).

قراردادهای: بی او تی^۱ و یا معادل فارسی آن: ساخت، بهره برداری و واگذاری، در برخی صنایع، نظیر: ساخت تصفیه خانه فاضلاب و راه سازی، مشهود بوده است. بحث مفصل در خصوص این قراردادها خارج از پژوهش کنونی می‌باشد، اما در ساده‌ترین تعریف چنین بیان شده که ابتداء، پروژه، به پیمانکار واگذار شده و وی با هزینه شخصی خود آن را راه‌اندازی می‌نماید (موسی زاده، ۱۳۹۸، ۵۴). چندین سال پس از تکمیل پروژه، پیمانکار، از محل مالکیت موقت بر آن، کسب درآمد کرده و سپس آن را به طور کامل به کارفرما واگذار می‌نماید. این مدل واگذاری، تا کنون در صنایعی نظیر: نفت و گاز و یا معادن، مشهود نبوده که وزارت صمت در سال ۱۳۹۹ با انتشار تصویب نامه، جزئیات دقیق این مدل واگذاری را اعلام کرد و تا کنون، به طور کامل اجرائی نشده است. در قیاس با دیگر موارد استفاده از این قراردادها (صنایع راه سازی و آب و فاضلاب) چند نکته مهم به چشم می‌خورد.

پس از دوره بهره برداری، معمولاً، همان پیمانکار برای نگهداری پروژه استفاده شده که جنبه غیرتعهدی و عرفی دارد؛ اما در مدل جدید وزارت صمت، این مهم برای نخستین بار در جهان تعهد شده است.

بازار امن پیمانکار در دوره بهره برداری، هیچ‌گاه ضمانت نشده و برای نخستین بار در جهان، وزارت صمت به این مهم متعهد گردیده است.

تعهدات پیمانکار، همواره به راه اندازی اصل پروژه و تحویل آن، محدود بوده و در این مدل، برای نخستین بار، الزام به گسترش صنایع تولیدی ذکر گردیده است.

1. BOT (Built- Operation- Transfor)

تعهدات ارزی که اجرای آن بر عهده بانک مرکزی می‌باشد، توسط وزارت صمت تعهد گردیده است. پرواضح است که مدل جدید واگذاری معادن، اولاً، در صنایع معادن و ثانیاً، در مدل خاص خود، دارای نوآوری بوده و به مانند آن، در هیچ جای جهان اجرا نگردیده است؛ بنا بر این، این مهم، مستلزم بررسی‌های حقوقی می‌باشد.

۲. چالش‌های اداری کنونی

متأسفانه، این ساز و کار جدید، به مانند بسیاری از طرح‌ها، لوایح و تصامیم، با چالش‌های اجرایی همراه بوده که پس از گذشت حدود چهار سال از ارائه آن، به طور کامل اجرا نشده است. ذیل این قسمت چالش‌های اداری این مهم بحث گردیده است.

۲-۱. انتقاد به اختیارات وزارت صمت

پس از اعلام رسمی وزارت صمت در خصوص نحوه جدید واگذاری معادن، انتقاداتی مطرح گردید (ناطق پور و عباسی، ۱۴۰۳، ۱۵). در سال ۱۴۰۰، معاون ریاست جمهوری، اجرای این طرح را منوط به تصویب هیأت دولت دانست. این تصمیم در همان سال و با دستور شهید رئیسی، ملغی گردید (عمرانی فر و عباسلو، ۱۴۰۲، ۷۰). در سال ۱۴۰۱، نمایندگان عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، وزارت صمت را فاقد صلاحیت کافی برای ارائه چنین طرحی دانستند. در سال ۱۴۰۲، شعبه ششم حقوقی دادگستری مشهد، یکی از قراردادهای جدید بین پیمانکاران و وزارت صمت را دارای بطلان و خواهان ابطال بخشنامه مرتبط از دیوان عدالت اداری گردید.

با این حال، اقدامات متقابل صورت گرفته در این خصوص بدین شرح بوده است (ناطق پور و عباسی، ۱۴۰۳، ۲۰). در سال ۱۴۰۰، ریاست جمهوری وقت به صراحت اعلام کرده که در سال ۱۳۷۹، اختیارات کافی به وزارت صمت تفویض شده است. در سال ۱۴۰۱، وزیر صمت وقت، به صراحت بیان داشت که حسب نظر کارشناسان حقوقی، اجرای این طرح بلامانع است. در سال ۱۴۰۲، ریاست کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به صراحت بیان داشت: این مدل از واگذاری معادن مسأله‌ای اجرایی و خارج از اختیار قوای قانونگذاری و قضائیه می‌باشد و بدون نیاز به تصویب این قوا، از اعتبار اجرایی بهره‌مند است. به نظر می‌رسد: هنوز پیمانکار توانا و سازگار با این طرح، یافت نشده و مشوق‌های قرار داده شده چندان به جذب سرمایه‌گذار منتهی نگردیده است.

۲-۲. انتقاد به نادیده گرفتن حقوق پیمانکاران

عمده تعهدات پیمانکار در مدل جدید واگذاری معادن، بدین شرح می‌باشد (دولت آبادی و همکاران، ۱۴۰۰، ۶۶۵): عدم خام فروشی محصولات و فروش محصول نهایی مطابق با قرارداد، سرمایه گذاری و راه اندازی هلدینگ مورد توافق با وزارت صمت، به کارگیری ساختمان‌های قابل حمل همچون کانکس و

عدم تأسیس ساختمان‌های با بنای غیرقابل جا به جایی، انتقال فناوری و عدم ادعای حق مالکیت معنوی برای آن، واگذاری کامل طرح پس از پایان مهلت قرارداد؛ رعایت اصول ایمنی محافظت از محیط زیست بسته به نوع طرح که مورد تأیید سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت صمت قرار گرفته باشد؛ عدم احتکار محصولات تولیدی؛ رعایت حداقل سقف تولیدات که در قرارداد مشخص شده است؛ تعهد به تسویه تمامی بدهی‌های شرکت تا پایان مدت بهره برداری؛ ساخت پروژه با عمر مشخصی که در قرارداد تعیین شده است؛ تعهد به منع تخریب محیط زیست.

معاونت حقوقی دولت دوازدهم، الزام سرمایه گذار به راه اندازی صنایع جانبی را مخدوش کننده اصل مهم رضایت دانسته و با اجرای این قرارداد مخالفت نمودند (عسگری و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۵). به نظر می‌رسد که حسب اثرگذاری‌های سیاسی، وزارت صمت به اجرای این طرح اصرار نورزید؛ چراکه هیأت دولت که خود روزی اختیارات مذکور را به وزارتخانه تفویض نموده، از اختیار لغو آن نیز بهره مند است (کنعانی، ۱۳۸۹، ۲۸۰)؛ با این حال، در دولت سیزدهم این مسأله مسکوت ماند و با وجود تلاش‌های ارزنده این دولت در جهت رفع موانع تولید، این مهم، یکی از چالش‌های مهم اجرای طرح مذکور باقی ماند. باتوجه به اینکه این اختلافات به طور کلی، در داخل قوه مجریه حادث شده، امکان رفع آن در داخل هیأت دولت، به سهولت ممکن بود.

۲-۳. ضعف محاکم حقوق عمومی

یکی از انتقادات وارده به نظام حقوقی کشورمان، ضعف در محاکم حقوق عمومی بوده که جهت اطلاع کلام از ذکر تفصیل آن خودداری شده است. تنها، به ذکر این مهم اکتفاء شده که در اکثر کشورها دادگاه‌های حقوق اساسی و حقوق اداری وجود دارد (هایسو^۱، ۲۰۲۱، ۲۱۱). در کشور ایران، دیوان عدالت اداری، تنها در تهران واقع شده که در صورت بروز چالش‌های فاحش در مسیر اجراء، بخشنامه‌های اداری را ابطال می‌نماید. با این حال، هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای در دیوان عدالت اداری وجود ندارد.

اظهار نظر در خصوص مشکلات حقوقی مدل جدید واگذاری معادن، به صورت رسمی مقدور نیست. در حله نخست، نیاز است که خود قوه مجریه، صحت این قراردادها را اعلام دارد؛ چراکه بالاترین مرجع حقوقی در این نهاد، نماینده حقوقی آن‌ها در کل کشور محسوب می‌گردد. در این وضعیت عدم اظهار نظر قوای قانونگذاری و مجریه، باتوجه به اصل مهم ۸۵ قانون اساسی، به معنای تأیید آن‌ها تلقی می‌گردد (محمدی و خردمندی، ۱۳۹۹، ۱۲۰)؛ بنا بر این، در حال حاضر، اظهار نظر غیرکارشناسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری در دوره دوازدهم مانع اجرایی مدل جدید واگذاری معادن بوده که متأسفانه در دوره

سیزدهم نیز بدان توجهی نگردید. حسب رویه مهم حقوق اداری، عدم اظهار نظر دولت بعدی در خصوص نظرات دولت‌های پیشین، به معنای تأیید آن‌ها تلقی می‌گردد (لاهنسن^۱، ۲۰۱۹، ۴۵).

با این حال، در ساده‌ترین تفسیر حقوقی می‌توان بیان داشت: حسب ماده دهم قانون مدنی، قراردادها در اشکال غیر معین در صورتی که خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشند، فاقد ایراد حقوقی خواهند بود. الزام به توسعه برخی صنایع توسط پیمانکار، شرط در قرارداد ذکر شده و قبال آن نیز وزارت صمت امتیازاتی به پیمانکار اعطاء کرده که در وضعیت پیش قرارداد، پس از رضایت کامل طرفین منعقد می‌گردد و لذا ایرادی به اصل رضایت وارد نیست.

همچنین، الزام به استعلام نهادهای همعرض، و طولی قرار گرفتن آن‌ها در برخی مسائل خاص که به تأیید هیأت دولت رسیده، تعدی از اختیارات اداری محسوب نمی‌گردد (پاسبان، ۱۳۸۴، ۲۰).

بنا بر این، جایگاه کنونی سازمان‌هایی نظیر: محیط زیست، منابع طبیعی و جهاد کشاورزی که به نوبه خود در استعلامات صدور مجوزهای معدن نقش داشته و به تبع تصویب نامه وزارت صمت و حسب اختیار تفویضی به این وزارتخانه در سال ۱۳۷۹، اجرایی شده، فاقد ایراد قانونی می‌باشد.

۲-۴. نیاز به استانداردسازی قرارداد

بحث استانداردسازی قراردادها، یکی از مسائل مهم در حقوق قراردادها بوده که جهت اطلاع کلام از ذکر جزئیات آن، گذر می‌شود؛ اما به این نکته اشاره گردد که با یک شکل‌سازی قراردادها، به آن، اثر شکلی بخشیده شده و عرف آن نیز تقویت می‌گردد؛ بدین صورت، در مدت زمانی کوتاه، جنبه‌های مبهم قراردادها، از بین رفته و اختلافات محتمل به حداقل خواهد رسید. در عین حال، امورات اداری مرتبط به آن نیز به ساده‌ترین شکل ممکن انجام خواهد پذیرفت (ژائو^۲، ۲۰۲۰، ۵۰۲).

با وجود ارزنده بودن اقدام وزارت صمت در ارائه این مدل از واگذاری، عدم ارائه فرم قراردادی آن، ضعفی بزرگ محسوب می‌گردد. تا کنون، مسائل حقوقی مرتبط با این قرارداد، به شکل مصوبه باقی مانده و متأسفانه، به سبب ضعف اداری، صورت فرم قراردادی آن، ارائه نگردیده، این، در حالی است که در چهار چوب اختیارات تفویضی سال ۱۳۷۹ به وزارت صمت، بدون کسب تکلیف از نهادی دیگر، می‌توان فرم قراردادی را در چهار چوب تصویب نامه مذکور ارائه نمود.

به نظر می‌رسد: با استانداردسازی قرارداد مرتبط با این حوزه، بتوان تا حد زیادی بر چالش‌های اداری اجرای آن غلبه نمود.

۳. الگوی اجرایی مشابه در دیگر کشورها

چنانکه بیان شد: برخی از اجزای مدل جدید واگذاری معادن، تا کنون بی‌سابقه بوده است؛ با این حال، واگذاری معادن به طریق: بی او تی، تنها، در فرانسه و کانادا مشهود بوده و نیاز است که به موارد مشابه، نگاهی انداخته شده و ضمن بررسی نقاط قوت و ضعف هر یک، زمینه تهیه الگوی جدید در کشور فراهم گشته و برای رفع چالش‌های موجود، مورداستفاده قرار گیرد.

الف) فرانسه

فرانسه در سال ۲۰۰۶ میلادی، برای نخستین بار در جهان معادن زغال سنگ خود را به روش قرارداد بی او تی، به پیمانکاران بخش خصوصی واگذار نمود. سیاست کاهش دخالت دولت در امورات اقتصادی، و همچنین امکان جذب سرمایه‌های خارجی، دولت‌ها به این اقدام واداشت که تا سال ۲۰۱۵، شانزده معدن مهم خود را عمدتاً، به پیمانکاران آلمانی واگذار نماید که باتوجه به بحران بیکاری در این کشور، اقدامی قابل‌تحسین محسوب می‌گردد (رزگا، ۲۰۱۲، ۲۱۲).

قرارداد بی او تی مذکور، از نوع عادی بوده و نوآوری خاصی در آن، مشهود نمی‌باشد؛ با این حال، مسأله ارزش‌گذاری قیمت در این قراردادها که همان مدت بهره‌برداری می‌باشد، به وزارت اقتصاد واگذار شده که به عقیده اکثر اقتصاددانان این کشور، معیار تعیین شده عادلانه می‌باشد (ریان^۲ و فوستر^۳، ۲۰۲۳، ۱۱۱).

خلاف دیگر پروژه‌ها که چانه زنی در خصوص مبلغ واگذاری می‌باشد، در این نوع واگذاری‌ها چانه زنی عمدتاً، در خصوص مدت زمان بهره‌برداری بوده که وزارت اقتصاد فرانسه از اختیارات اداری خود بهره‌جسته و برای نخستین بار در جهان، معیار ارزش‌گذاری را ارائه نموده است.

وزارت معادن این کشور نیز فرم قراردادی را تصویب کرده و بدون نیاز به طرح در هیأت دولت، آن را برای اجراء، ابلاغ نموده است (وانلوین^۴، ۲۰۲۳، ۲۳۱).

نکته قابل توجه اینکه نظام سیاسی کشور فرانسه به مانند کشور ایران، از نوع نیمه ریاستی نیمه پارلمانی بوده؛ همچنین، هر دو کشور، در الگوبرداری از نظام حقوقی رومی ژرمنی، به صورت یکسان عمل نموده‌اند. با توجه به این شباهت‌ها، می‌توان عملکرد خاص وزارت معادن فرانسه را مورد تأیید قرار داده و آن را الگویی برای نظام اجرائی کشور قرار داد. وزارتخانه‌ای که متولی معادن می‌باشد، نمی‌تواند برای هر مسأله جزئی از هیأت دولت کسب تکلیف نماید؛ چراکه بررسی برخی موضوعات در هیأت دولت، گاه، مستلزم

1. Rozga
2. RYAN
3. FOSTER
4. VAN LEEUWEN

طی زمان بیش از شش ماه می‌باشد؛ بنا بر این، با کسب اختیارات کلی از هیأت دولت، وزارت صمت می‌تواند فرم قراردادی را تدوین نماید.

مسأله‌ی ارزش‌گذاری اقتصادی نیز مورد توجه است. قابل ذکر است که در کشور ایران، ارزش‌گذاری اقتصادی در خصوص واگذاری پروژه‌های نفت و گاز به روش بی‌اوتی، مورد بحث بوده و خلاف دیگر قراردادهای بی‌اوتی که طول مدت بهره‌برداری، حدوداً بیست سال می‌باشد، این مهم، برای پروژه‌های نفت و گاز، کمتر از پنج سال تعیین شده که به علت بازدهی بالای این صنایع می‌باشد (قربانی، ۱۳۹۰، ۴۲).

ب) کانادا

پس از فرانسه، کانادا برای نخستین بار در سال ۲۰۱۰ میلادی، پروژه‌های معدنی در نواحی سردسیر را به روش بی‌اوتی، به پیمانکاران عمدتاً داخلی واگذار نموده و علت آن، عدم توانایی دولت، به حضور در پروژه‌های این مناطق، عنوان شده است (هانوکا^۱ و پالاپوس^۲، ۲۰۱۲، ۹۴).

نوآوری دولت کانادا در این نوع قرارداد، انحصار در خرید محصولات معدنی توسط دولت می‌باشد، به نحوی که پیمانکاران در طول بهره‌برداری حق فروش محصول به غیر از شرکت‌های دولتی منتخب را ندارند (خانزادی و همکاران، ۲۰۱۲، ۳۷۰). این مدل واگذاری نیز توسط فرم قراردادی استاندارد انجام شد. در مدل جدید مذکور در ایران، دولت خرید محصولات در طول بهره‌برداری را تضمین نموده، اما انحصاری در این خصوص، مشهود نیست. در قیاس با وضعیت مشابه در کشور کانادا، می‌توان چنین بیان داشت که در عمل، تضمین خرید با قیمت عادلانه توسط دولت انجام شده، با این حال، محصولات در دست دولت، باقی مانده که عمل اجرائی، بس سنگین، محسوب می‌گردد؛ با این حال، هدف، این است که با احتکار در این خصوص، مقابله شود. در کشور ایران، تضمین خرید، به معنای انحصار در خرید نیست (شیروی، ۱۳۹۶، ۱۲۳)، با این حال، نیاز است قوانین تعزیراتی ضد احتکار نسبت به پیمانکار اعمال گردد؛ چراکه در هر صورت، پیمانکار نیز یک کاسب محسوب شده و نباید قوانین صنفی را نادیده انگارد (اسلامی پناه، ۱۳۸۲، ۵۰).

بنا بر این، در مدل قراردادهای جدید، اگر مسأله احتکار نیز در چارچوب قوانین تعزیرات حکومتی پیگیری شود، نیاز به ایجاد انحصار در خرید محسوس نمی‌باشد.

۱-۳. تعیین مدل و فرم خاص

جدا از بحث معادن، تجربه نشان داده که فرم قراردادی به خوبی توانسته که ماهیت حقوقی صحیحی برای قرارداد تبیین نموده، به نحوی که تا حد زیادی از تخلفات این حوزه ممانعت نماید. در کشور ایران، این

1. Hanaoka
2. Palapus

مهم توسط اتحادیه مشاورین املاک، به خوبی پیاده سازی شده است. در دو کشور فرانسه و کانادا، فرم قراردادی مناسبی در نظر گرفته شده که موجب تسهیل در امورات اداری این حوزه گردیده است. از طرف دیگر، ساز و کار اجرائی آن، به درستی مشخص بوده و اختیارات وزارت متولی به صراحت ذکر گردیده است. هر دو کشور، در اعمال قرارداد بی او تی، به نحوی دارای نوآوری بوده‌اند؛ البته، انتقاداتی به آن وارد است، لیکن موفقیت آمیز بودن آن می‌تواند الگویی برای مدل جدید در کشور ایران قرار گیرد.

۲-۳. عدم تفکیک شرکت‌های دولتی و خصوصی

در کشور ما بسته به اهمیت امنیتی موضوع مناقصات، ممکن است شرکت‌های دولتی به نسبت شرکت‌های خصوصی، دارای امتیازاتی باشند (شافع، ۱۳۸۸، ۲۲). در حال حاضر نیز برای واگذاری معادن گران قیمت، تنها، اجازه حضور به شرکت‌های دولتی داده شده است؛ چنانکه بیان شد: برای این مهم، نص صریحی در منابع حقوقی، مشهود نیست.

در فرم قراردادی مورد بررسی در دو کشور فرانسه و کانادا، شرکت‌های دولتی و خصوصی، به یک چشم نگریده شده و شرکت‌های دولتی انگشت شمار نیز حق ورود به مناقصات را داشته که معمولاً، موفق عمل نمی‌نمایند (لریو^۱، ۲۰۲۰، ۱۱۶).

نکته قابل توجه اینکه با توجه به آزادی حق انتقال به غیر پروژه‌ها در دو کشور فرانسه و کانادا، پیمانکار دولتی معمولاً، از پیمانکاران ثانوی بخش خصوصی بهره می‌گیرد؛ اما در کشور ایران، این امکان وجود نداشته؛ چراکه در قراردادهای عادی معادن، حق انتقال به غیر ساقط گردیده و انتقال حق بهره برداری نیز منوط به موافقت وزارت صمت می‌باشد؛ با این حال، نیاز است که از ایجاد امتیاز برای شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت خودداری نمود که این مهم، در فرانسه و کانادا مشهود است. با توجه به نظارت وزارت کار این کشورها بر حق و حقوق پیمانکاران و کارگران، حتی به فرض استفاده از پیمانکار ثانوی، منافع چندانی برای پیمانکار نخست متصور نبوده و بدین صورت، روزه‌های فساد محدود می‌گردد (اگرمان^۲، ۲۰۱۹، ۲۵).

۴. الگوی پیشنهادی رفع چالش‌های اداری

تا اینجا، چنین بیان شد که وزارت صمت با وجود اقدام ارزنده خود برای ارائه مدل جدید حضور بخش خصوصی در معادن، که متناسب با وضعیت تحریمی کشور می‌باشد، دارای قصوراتی بوده که موجب عدم اجرای کامل این ساز و کار جدید شده است. کاستی‌ها بدین شرح می‌باشند: عدم ارائه فرم قراردادی، عدم تعامل سازنده با دولت برای اظهار نظر قطعی در خصوص وضعیت این نوع واگذاری، عدم پیگیری اصلاح اظهار نظر غیرکارشناسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری دولت دوازدهم، عدم تشریح مناسب ساز و

1. Liu
2. O'Gorman

کار و تلاش سازنده برای جذب پیمانکاران، عدم اجرای صحیح قوانین تعزیراتی برای اطمینان از عدم احتکار توسط پیمانکاران، فقدان ساز و کار دقیق تعیین مدت زمان عادلانه بهره برداری.

۱-۴. تعیین معیار اقتصادی

وزارت معادن فرانسه، برای مدت زمان بهره برداری از معادن، معیار تعیین کرده و این اقدام مشابه در وزارت نفت نیز مشهود بوده است؛ با این حال، در مدل جدید، نامی از مدت زمان بهره برداری نشده است. نیاز است که با معیارهای اقتصادی و لحاظ سود معقول برای پیمانکار، مدت زمان بهره برداری را برای هر معدن تعیین نمود و این مهم در اختیارات اجرائی وزارت معادن جای داشته و نیاز به کسب تکلیف از نهادی دیگر نیست.

در خصوص معادن گران بها، نظیر: طلا، نقره و مس نیز انحصار دولتی بر اداره آن، تنها، با رویکرد اداری وزارت صمت بدین شکل درآمده و هیچ منع حقوقی و اداری برای حضور بخش خصوصی وجود ندارد. تنها، بیم آن می‌رفت که موازنه سود دهی تغییر کرده و سهم دولت و ملت از این منابع، ناچیز باشد؛ اما با وجود معیار اقتصادی مناسب، می‌توان این دغدغه را تأمین کرده و با لحاظ مدت زمان بهره برداری معقول حسب معیارهای اقتصادی، امکان حضور بخش خصوصی در این صنایع را ممکن دانست. همچنین، تضمین اداره پروژه، پس از دوره بهره برداری که تا کنون به صورت رسمی اجرائی نشده، می‌تواند نوعی امتیاز به پیمانکار تلقی شده که قبال آن، مدت زمان بهره برداری را کاهش داد. این موارد، نیاز است وزارت صمت، در قالب بخشنامه اجرائی، تهیه کند.

۲-۴. صراحت در تفویض اختیارات به وزارت صمت

چنانکه بیان شد: در سال ۱۳۷۹ اختیار تولی معادن به وزارت صنایع و معادن و پس از آن، به وزارت صمت، واگذار شده و با توجه به فقدان منبع حقوقی محدود کننده این وضعیت، هیأت دولت می‌تواند این اختیارات را محدودتر نماید، با این وجود، در طول بیش از دو دهه، مصوبه جدید، خلاف آن، تنظیم نشده است؛ با این وجود، انتقاد دیگر مقامات قوای قانونگذاری و قضائیه، به فقدان صلاحیت وزارت صمت، با عدم واکنش هیأت دولت مواجه شده و تنها مسئولان وزارت صمت از خود دفاع نموده‌اند. نیاز است که هیأت دولت، به صراحت تمام، صلاحیت وزارت صمت را در این خصوص، اعلام داشته و در عین حال، به اظهار نظرهای غیر کارشناسی داخل قوه مجریه، پاسخ قاطع دهد؛ امری که با وجود اقدامات والای دولت سیزدهم انجام نشد؛ بدین صورت، موانع اجرائی اداری استفاده از مدل مذکور، مرتفع خواهند شد.

۳-۴. هماهنگی

انتظار می‌رود: با تنظیم فرم قراردادی در مسیر اجرای مدل جدید واگذاری معادن، مشکلات اداری اجرائی این مهم، به حداقل کاهش داده و تقویت کننده عرف حقوقی این قرارداد جدید باشد.

چنانکه بیان شد: حسب نظر اکثریت حقوق‌دانان اداری، پس از تفویض اختیار از طرف هیأت دولت به نهادی خاص، نهادهای استعلام کننده در طول قرار گرفته و نه عرض. دیگر سازمان‌های مرتبط با معادن تنها در نقش پاسخ به استعلام را بر عهده داشته و حق دخالت در واگذاری‌ها را ندارند. نیاز است که این مهم، در جلسه هیأت دولت، تصریح یافته، تا بدون اشغال وقت هیأت دولت، وزارت صمت، به صورت مستقیم، به این مسأله رسیدگی نماید.

نتیجه گیری

سؤال پژوهش این بود که نقاط قوت و ضعف طرح جدید واگذاری معادن چیست و راهکارهای اداری اجرای صحیح آن، به چه صورت است؟ چنین فرض شده که جامعیت این طرح از نقاط قوت آن، محسوب شده ولیکن اختلاف در اختیارات وزارت صمت، عدم توجه به حقوق پیمانکاران و در نهایت، عدم ارائه فرم قراردادی استاندارد، از نقاط ضعف اجرائی این طرح بوده که نیاز است با همت مسئولان، مرتفع گردد. فرضیه پژوهش قابل تأیید است. ساز و کار جدید وزارت صمت، کاملاً، نوآورانه بوده و قبال امتیازات خاصی که به پیمانکاران اعطاء کرده، آنان را ملزم به انجام برخی اقدامات نموده که در وضعیت تحریمی کشور موجب ایجاد ارزش افزوده و اشتغال بیشتر می‌گردد؛ اما تا کنون فرم قراردادی آن، تنظیم نشده و به ابهامات در این خصوص، هیچ پاسخی داده نشده است. متأسفانه، با اظهار نظر معاونت حقوقی دولت دوازدهم، عملیات اجرائی این ساز و کار دچار وقفه شد و این، در حالی است که این مدل قرارداد با رضایت کامل پیمانکار اجرائی شده و به هیچ وجه اصل مهم رضایت مخدوش نمی‌گردد؛ با این حال، تلاشی برای رفع این چالش ساده انجام نشد. به موجب مصوبه هیأت دولت در سال ۱۳۷۹، وزارت صمت در تولی معادن، دارای اختیارات کامل می‌باشد و نمی‌توان به بهانه فقدان نظارت هیأت دولت و عدم هماهنگی، به این رویه، انتقاد وارد نمود. پاسخ استعلام دیگر نهادها نیز در چهار چوب قانون، یک ضرورت محسوب می‌گردد؛ با این حال، معیاری اقتصادی برای تعیین دوره بهره برداری مشخص نشده که نیاز است ضمن مشورت با کارشناسان اقتصادی، آیین نامه‌ای در این خصوص تبیین گردد.

کتابشناسی

۱. احمدی، رضا، (۱۳۸۹)، امکان سنجی خرید و فروش معادن، مجله نور، دوره بیست و چهارم، ص ۴۲-۶۷.
۲. اسلامی پناه، علی، (۱۳۸۲)، تعهدات آگاهانه در قراردادهای واگذاری معادن، مجله پژوهش‌های حقوقی، انتشارات شهر دانش، دوره دوم، ص ۴۵-۷۰.
۳. اسلامی پناه، علی، (۱۳۹۸)، وضعیت حقوقی معادن، تهران، مجد، اول.
۴. پاسبان، محمدرضا، (۱۳۸۴)، قانون تجارت ایران در گردونه تحول بررسی اصلاح مقررات شرکت‌های تجاری، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره هشتم، ص ۱۱-۴۰.

۵. جباری، احمد، (۱۳۸۹)، حقوق دولت بر معادن، مجله راه حقوق، دوره پنجاه و پنج، ص ۴۷-۷۲.
۶. جباری، احمد، (۱۳۹۲)، حقوق اشخاص در معادن، تهران، آفتاب، اول.
۷. حق گزار، ادهم؛ رستمی فر، علی؛ الماسی، نجاد علی، (۱۳۹۳)، تغییر موازنه‌ی اقتصادی قراردادهای نفتی و اعاده‌ی آن در نتیجه‌ی برهم خوردن ثبات قراردادهای با تأکید بر تغییرات بنیادین اوضاع و احوال قراردادی، آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، دوره سوم، ص ۱۹-۳۸.
۸. دولت آبادی، سمیرا سادات؛ ولایتی، محسن؛ پوراسماعیلی، علیرضا، (۱۴۰۰)، چالش‌ها و خلأهای قانونی مناقصات و مزایدات دولتی در نظام حقوقی ایران، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، دوره پانزدهم، ص ۶۷۲-۶۵۹.
۹. شافع، میرحسین، (۱۳۸۸)، مالکیت خصوصی بر منابع نفت و گاز، مجله شهر دانش، دوره بیست و یکم، ص ۱۸-۵۲.
۱۰. شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۶)، حقوق تجارت بین الملل، تهران، سمت، دهم.
۱۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۹۷)، حقوق اداری، تهران، سمت، اول.
۱۲. عبدالله زاده، حسن، (۱۳۹۲)، بررسی میزان موفقیت خصوصی سازی معادن و صنایع معدنی منتخب، تهران، دفتر مطالعات انرژی، اول.
۱۳. عسگری، محسن؛ حبیبی تبار، حسین؛ قیوم زاده، محمود؛ (۱۴۰۱)، واکاوی چالش‌های اداری حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و راهکارهای اصلاح آن، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، ص ۱۳-۳۹.
۱۴. عمرانی فر، زینب؛ عباسلو، بختیار، (۱۴۰۲)، واکاوی صدور رأی سازشی داور در حقوق ایران در پرتو رویه قضایی، آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، دوره اول، شماره دوم، ص ۶۷-۹۰.
۱۵. قربانی، محمد، (۱۳۹۰)، وضعیت حقوقی مالکیت معادن، مجله شهر دانش، دوره دوم، ص ۳۹-۶۰.
۱۶. کتابی رودی، احمد، (۱۳۹۴)، مجموعه قوانین و مقررات معادن، تهران، جنگل، اول.
۱۷. کشتکار زاده، محسن، (۱۳۸۲)، بررسی ابعاد حقوقی مالکیت معدن در حقوق ایران، تهران، آدینه، اول.
۱۸. کنعانی، محمد طاهر، (۱۳۸۹)، حق بهره برداری از معادن، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره چهل، ص ۲۷۷-۲۹۶.
۱۹. محمدی، شیوا؛ خردمندی، سعید، (۱۳۹۹)، واکاوی علل عدم موفقیت طرح کاداستر در کشور از دیدگاه حقوق اداری، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره دوم، ص ۱۱۱-۱۳۶.
۲۰. موسی زاده، رضا، (۱۳۹۸)، حقوق اداری ۱ و ۲ (کلیات و ایران)، تهران، میزان، اول.
۲۱. ناطق پور، محمد متین؛ عباسی، بیژن، (۱۴۰۳)، جایگاه مشارکت کارمندان در قوانین و مقررات اداری ایران، حقوق اداری، دوره یازدهم، ص ۱۳-۳۵.
22. BETANCOURT, Rómulo. (2023) **Venezuela's oil**. Taylor & Francis, 2023.
23. Dai, D, Shi, L, & Huang, W. (2008) **Collusion and Contract Efficiency in BOT p** <https://invest.nww.ir/roject>. In Wireless Communications, Networking and Mobile Computing, WiCOM'08. 4th International Conference on. IEEE. 2008 (pp. 1-5).
24. Hanaoka, S., & Palapus, H. (2012) P. **Reasonable concession period for build-operate-transfer road projects in the Philippines**. International Journal of Project Management, 30(8), 938-949.
25. HSIAO, Allan. (2021) **Coordination and commitment in international climate action, evidence from palm oil**. Unpublished, Department of Economics, MIT, 2021.
26. Khanzadi, M., Nasirzadeh, F., & Alipour, M. (2012) **Integrating system dynamics and fuzzy logic modeling to determine concession period in BOT projects**. Automation in construction, 22, 368-376.
27. Lahusen, T. (2019) **How Life Writes the Book, Real Socialism and Socialist Realism in Stalin's Russia**. Cornell University Press, 2019.

28. Liu, Z. (2020) **Aluminum Corporation of China Limited Chongqing Branch and Aluminum Corporation of China Limited v. Chongqing Fuli Mining Co., Ltd.**(Dispute over Contract) Determination of Cause of Action and Time of Rescission under Statutory Right of Rescission. In Selected Cases from the Supreme People's Court of the People's Republic of China, Springer, Singapore, PP 113-121.
29. O'Gorman, D. P. (2019) **Learned Hand and the Objective Theory of Contract Interpretation.** UNHL Rev. 2019, 18, 63.
30. Rozga, S. (2018) **Practical bot development: Designing and building bots with Node. js and microsoft bot framework.** Apress, 2018.
31. RYAN, Mark; FOSTER, Steve.(2023) **Unlocking constitutional and administrative law.** Routledge, 2023.
32. VAN LEEUWEN, Judith. (2023) **Who greens the waves?: Changing authority in the environmental governance of shipping and offshore oil and gas production.** BRILL, 2023.
33. Zhou, Y. (2020) **Integrating Corporate Social Responsibility and Sustainability for Deep Seabed Mining. In International Business, Trade and Institutional Sustainability.** Springer, Cham, pp 499-514..